

بررسی و نقد تاریخ سند محمد بن معصوم بکری

سید اصغر محمودآبادی^۱

اصغر منتظرالقائم^۲

محمد حسین ریاحی^۳

چکیده

سند در بین ولایات شبه قاره هند دارای بیشترین تاریخ‌های محلی به زبان فارسی است. اگرچه سابقه تاریخ‌نگاری محلی فارسی در آن جا با برگردان فتح‌نامه سند مشهور به *حج‌نامه* از عربی به فارسی به اوایل قرن هفتم هجری می‌رسد؛ اما در واقع اولین نوشته مستقل محلی سند به زبان فارسی، *تاریخ سند* میرمعصوم معروف به *تاریخ معصومی* می‌باشد. بنابراین سؤال پژوهش این است که اثر مذکور دارای چه ویژگی‌هایی بوده و مطالب آن چه اهمیتی دارد. (سؤال) به نظر می‌رسد *تاریخ سند* میرمعصومی در بسیاری از مطالب راجع به سند منبع اول تألیفات بعدی تاریخ محلی منطقه بوده به طوری که سایر تواریخ در این مورد بهره بسیاری برده‌اند. (فرضیه) غرض، ارائه مشابهت‌های تاریخی، فرهنگی و معنوی سند با اندیشه‌های ایرانی و اسلامی، مؤلفه‌های متعددی، مانند تعلیم و آموزه‌های ادبی، اخلاقی و اجتماعی در رشد و شکوفایی تألیفات به زبان فارسی از جمله در زمینه تاریخ‌نگاری است. (هدف) مقاله به شیوه توصیفی و تحلیلی (روش) به این نکته دست یافته که *تاریخ سند* معصومی بیش‌تر به فتح سند توسط مسلمانان، حکومت‌های سند از آغاز تا بابر بیان، انتقال حاکمیت‌های محلی به امپراتوری تیموری، اقوام ساکن سند و مهاجرین به آن جا و شخصیت‌های متنفذ و مقتدر از جمله حکام و فرهیختگان از جمله ادبا و اهل علم توجه کرده است، البته مسائل اجتماعی و مردمی نیز به صورت کم‌رنگ دیده می‌شود. (یافته)

۱. دکتری، تاریخ اسلام، استاد، گروه تاریخ، دانشگاه اصفهان - a.mahoudabadi@ltr.ui.ac.ir

۲. دکتری، تاریخ اسلام، دانشیار، گروه تاریخ، دانشگاه اصفهان - Montazer5337@yahoo.com

۳. دانشجوی دکتری تاریخ، گرایش اسلام، دانشگاه اصفهان - MHR.MHRMHR@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۱۰/۱۷

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۸/۵

واژگان کلیدی

تاریخ‌نگاری محلی، شبه‌قاره هند، سند، میرمحمد معصوم بکری.

مقدمه

از دیرباز و عصر هخامنشی و ساسانی مناسبات بین ایران و سند وجود داشته است. با شروع دوران اسلامی این ارتباطات گسترش بیش‌تری یافت و در سطوح مختلف فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و هنری این مراودات و توسعه زبان و ادب فارسی از حیث گفتاری و نوشتاری مورد استفاده مردم سند بوده است (صافی، ۱۳۸۷: ۲۲۳). برخی تاریخ‌نویسان و جغرافی‌دانان مسلمان، رود سند را مهران نوشته‌اند که یک نام ایرانی است (مسعودی، ۱۳۸۷، ج: ۱، ۹۳ و ۹۴). زمان خلافت ولید بن عبدالملک (۸۵-۹۶ ق/ ۷۰۴-۷۱۴ م) سرزمین سند به وسیله محمد بن قاسم ثقفی در سال ۹۳ قمری فتح گردید. (بلاذری، ۱۳۶۷: ۶۰۹) هرچند که پیش از آن نیز به ویژه در زمان خلافت عثمان بن عفان (۲۳-۳۵ ق/ ۶۴۳-۶۵۵ م) به برخی مناطق سند وارد شده و تا ورود محمد بن قاسم کمابیش از حضور مسلمانان در دروازه ورود به هند (سند) گزارش‌هایی در دست است. (یعقوبی، ۱۳۶۲، ج ۲: ۲۴۴؛ بلاذری، ۱۳۶۷: ۶۰۳ و ۶۰۴؛ حموی، ۱۳۹۶، ج: ۱: ۵۰۱) با این همه ظهور اسلامی با آمدن سپاهیان عرب (محمد بن قاسم) آغاز می‌شود (شیمل، ۱۳۶۸: ۱۰۱).

پس از فتح سند به دست سپاهیان اسلام، به ویژه از همان قرون نخستین هجری، مردم سند به سبب عوامل مختلف با ایران، به زبان فارسی و فرهنگ اسلام آشنا شدند و رفت‌وآمدهای هر دو ملت در عرصه‌های مختلف تجاری و فرهنگی بیش‌تر از گذشته انجام شد، چون اغلب عرفا و صوفیه از نژادها و اقوام مختلف با زبان فارسی آشنایی داشتند (نظیر عثمان مروندی، فریدالدین گنج‌شکر، جلال‌الدین بخاری و بهاء‌الدین زکریا مولتانی) و این زبان را برای تعلیم برگزیدند. همه این‌ها و نیز نفوذ و تسلط حکومت‌های دینی چون صفاریان و غزنویان زمینه رواج بیش‌تر آداب و رسوم و فرهنگ ایرانی در این سرزمین شد و در نتیجه و به تدریج در ادوار مختلف، آثار بزرگی در نظم، نثر، فن، تاریخ و هنر پدید آمد (صافی، ۱۳۸۷: ۱۹-۲۸).

اولین اثری که در باب تاریخ محلی سند و نیز کهن‌ترین کتابی که درباره تاریخ

مسلمانان هند در شبه قاره تألیف شده *حجج نامه* نام دارد. نویسنده این اثر، خواجه امام ابراهیم و در سده سوم یا چهارم بوده است. اصل عربی آن در دست نیست ولی سال ۶۱۳ قمری توسط شخصی به نام علی بن حامد کوفی به فارسی ترجمه شده است. (کوفی، ۱۳۸۴: ۸ و ۹) هر چند که سید صاحب هاشمی مولوی از محققان مسلمان معتقد است که مترجم *حجج نامه*، مطالبی را به آن افزوده و برخی از مطالب آن را حذف کرده است. (۱۹۲۷: Hashemi, ۱۹۱)

پس از *حجج نامه* یا *فتح نامه سند*، *تاریخ سند* یا *تاریخ معصومی* نخستین اثر مدون به زبان فارسی در باب سند است که در آن اطلاعات منحصر به فرد و گران بهایی در باب آن سرزمین به دست می‌آید. چنان‌که بیش‌تر تاریخ‌نویسانی که پس از وی درباره سند تألیفات داشته‌اند بی‌تردید از کتاب میر معصوم به عنوان منبع اول بهره برده و گاه بخش‌های زیادی را عیناً از آن نقل کرده‌اند. از جمله این آثار می‌توان به *تاریخ طاهری*، *بیگرنامه*، *ترخان نامه* و *تحفه الکرام* اشاره کرد. روش تحقیق در این مقاله به صورت توصیفی و تحلیلی است و فرضیه مقاله آن است که تاریخ سند معصومی مهم‌ترین اثر تاریخ محلی سند است.

احوال محمد معصوم بکری و موقعیت علمی، اجتماعی و سیاسی او

میر محمد معصوم بهکری (بکری) در سال ۹۴۴ قمری متولد شد. پدرشان سید صفایی الحسینی، اهل ترمذ بود و به شهرستان بهکر منطقه سند آمد و در آن‌جا سکونت گزید و در همان‌جا با خانواده سادات سیوستان وصلت نمود. وی به جز محمد معصوم دو پسر دیگر به نام‌های ابوالقاسم و محمد فاضل داشت. سید صفایی پس از وفات شاه قطب‌الدین هروی در ۹۹۷ قمری به عنوان شیخ الاسلام بهکر تعیین شد و پس از سال‌ها عزت و حیاتی آبرومندانه در سال ۹۹۱ قمری وفات یافت (بکری، ۱۳۸۲: مقدمه؛ اصغر، ۱۳۶۴: ۱۶۷؛ احمد، ۱۳۸۵: ۱۷۷) وی بانی مسجد جامع قدیمی شهر سکر [سکهر] نیز بوده است (صافی، ۱۳۸۵: ۱۳۱).

میر معصوم نزد ملأ محمد مقیم در کنکری، صرف و نحو، نثر و نظم خواند و سپس از برخی استادان به نام زمان خودش از جمله قاضی سیوستانی دانش‌هایی را فرا گرفت، هم‌چنین برخی آثار و کتب در باب علم حدیث را از شیخ حمیدالدین و قاضی عبدالله محدث فرا گرفت (احمد، ۱۳۸۵: ۱۷۷).

محمد معصوم به جز فراگیری علوم به ویژه دانش‌های مذهبی به مسائل دیگر نیز توجه داشت. زمانی که سختی‌های روزگار او را احاطه کرد، همراه با چند تن از دوستان پیاده به سوی گجرات رفت و در آن جا زمینه‌های علاقه‌مندی وی به علم تاریخ مشخص گردید. وی در گجرات با وساطت هم‌درشش شیخ اسحاق فاروقی با خواجه نظام‌الدین هروی نویسنده کتاب *طبقات اکبری* ملاقات نمود. بنابراین ظرف چند روز مصاحب و ندیم او شد (بهکری، ۱۹۶۱، ج ۱: ۲۰۱). در برخی آثار و نوشته‌های تاریخی و ادبی آن دوره از جمله *طبقات اکبری* از میر محمد معصوم بکهری مطالبی نقل شده است. هم‌چنین در سال ۹۹۲ قمری همراه با مظفر گجراتی جنگ کرد و تا سال ۹۹۸ قمری در همان جا به امور دولتی مشغول بود. وقتی بیرام خان خانان به دستور اکبرشاه دوباره منطقه گجرات را به تصرف درآورد، آن‌گاه حکومت ملتان و بهکر به خان خانان اعطا گردید و میرمعصوم نیز همراه با وی از گجرات عزیمت نمود (بهکری، ۱۹۶۱، ج ۱: ۳۳ و ۳۶) و در همان سال در لاهور خدمت اکبرشاه رسید و هدایایی پیش‌کش کرد پادشاه پرسید که چند سال است از مادر خود جدا هستی؟ محمد معصوم پاسخ داد: نزدیک به بیست سال می‌شود. از این جواب می‌توان حدس زد که تقریباً در سال ۹۷۸ قمری از شهر خود بیرون آمده باشد. بدین صورت پادشاه به او اجازه داد که به خانه برود و علاوه بر انعام و اکرام به عنوان حسن خدمات، منطقه «بیله کاکری» و «چندوکه» به صورت ضیاع و عقار به وی اعطا کرد (احمد، ۱۳۸۵، ج ۱: ۱۷۸).

میرمحمد معصوم در چهاردهم صفر ۹۹۹ قمری به بهکر رسید و سپس با میرزاخان خانان در مقابله با نیروهای میرزاجانی بیک به جنگ پرداخت و پس از فتح سند، به حضور اکبرشاه نائل شد (بکری، ۱۳۸۲). هم‌چنین در پاره‌ای وقایع مندرج در *اکبرنامه* مربوط به سال‌های ۹۸۸ تا ۱۰۱۲ قمری نام محمد معصوم آمده و ابوالفضل [نویسنده اکبرنامه] نام او را در میان دلوران کارآگاه و خدمت‌گزاران و مجاهدین با اخلاص محسوب داشته است (احمد، ۱۳۸۵، ج ۱: ۱۷۸). میرمحمد معصوم به مناصب و مقامات مهم سیاسی و نظامی در عصر خویش دست‌یافت؛ از جمله در سال ۱۰۰۳ قمری منصب دویست و پنجاهی به او عطا گردید، تا ۱۰۰۴ قمری جهت خدمات جنگی در قندهار به سربرد و در سال ۱۰۰۸ قمری در ناگور بود که در همان شهر با پسرش، میربزرگ ملاقات کرد (بکری، ۱۳۸۲: مقدمه). در همان سال اکبرشاه گورکانی برای تسخیر اسیرگره عازم

شد و میر نیز در این مهم همراهی و در آن شریک و سهیم بود (احمد، ۱۳۸۵، ج ۱: ۱۷۸). از جمله موفقیت‌های میر معصوم، اعزام وی از ناحیه امپراتور بزرگ گورکانی به سفارت دربار شاه عباس اول صفوی (حک ۹۹۶-۱۰۳۸ ق) بوده است. شروع این مأموریت به سال ۱۰۱۰ قمری و مدت آن بیش از سه سال بوده است (ریاض الاسلام، ۱۳۷۳: ۱۰۹-۱۱۱). از گزارش‌ها استنباط می‌شود که شاه صفوی پس از محاصره ایروان، هیأت هندی به ایلچی‌گری میر معصوم را به حضور پذیرفته است (ترکمان، ۱۳۵۰، ج ۲: ۶۴۷). پس از وفات اکبر شاه در سال ۱۰۱۴ قمری، نورالدین جهانگیر (حک ۱۰۱۴-۱۰۳۷ ق) به سلطنت رسید. پادشاه جدید، میر معصوم را به عنوان امین‌الملک به بهکر فرستاد. تا آن زمان او به منصب یک هزاری دست یازیده بود و سرانجام به تاریخ ششم ذی‌الحجه ۱۰۱۹ قمری در موطن خود چشم از جهان فرو بست (احمد، ۱۳۸۵، ج ۱: ۱۷۸). تاریخ فوت وی از مصرع زیر برمی‌آید «بوده نامی صاحب ملک سخن» (احمد، ۱۳۸۵، ج ۱: ۱۷۸). مزار میر نزدیک مناره‌ای که به اسم او مشهور است در بلده سکهر قرار دارد (بکری، ۱۳۸۲: مقدمه). این آرامگاه با گنبدی به صورت هشت ضلعی دارای خطوط نستعلیق و مزین به اشعار حکیمانه فارسی است و جلوه خاصی به شهر بخشیده و حتی باعث شهرت شهر سکهر شده است. گورستان خانواده میر معصوم هم جوار این گنبد مثنی قرار دارد و در آن جا کتیبه‌های فارسی بسیاری دیده می‌شود (صافی، ۱۳۸۵: ۱۳۱).

میر محمد معصوم بهکری در عصر خود مورد توجه خاص و عام بود. عبدالقادر بدایونی در *منتخب‌التواریخ* در باب خصائص و ویژگی‌های او آورده است: «به اخلاق درویشانه متخلق و به فضایل و کمالات انسانی متصف و به دیانت، امانت، شجاعت و سخاوت مشهور بود» (بدایونی، ۱۳۷۹: ۲۴۸).

میراث علمی و معنوی بکری

نویسنده *تخریة الخواص* از مشارکت او در امور خیر، همراهی با مردم و احسان او نسبت به علما و دانشمندان یاد کرده و از آثار متعدد وی در بسیاری از مناطق ذکری به میان آورده و نوشته است:

۱. سکهر امروز شهری بزرگ در ایالت سند و در جنوب شرقی پاکستان است که بهکر از مناطق آن محسوب می‌شود (صافی، ۵۸۳۱: ۰۳۱).

از ابتدای ایروان، نخجوان، تبریز، اصفهان تا قندهار، کابل و کشمیر و هندوستان و دکن هر جا رسید از اشعار خود نوشته و بر سنگ کنده یادگاری گذاشت، چنانچه سر دروازه قلعه اکبرآباد و مسجد جامع فتحپور سیکری و غیره اشعار ایشان به خط کتیبه در سنگ کنده‌اند (بهکری، ۱۹۶۱، ج ۱: ۲۰۲-۲۰۳).

آثار فرهنگی میرمحمد معصوم قابل توجه است. وی هم شاعر بوده و هم خوشنویس، اما عاشق ساختمان‌سازی، کتیبه‌نویسی و کنده‌کاری بوده، به هر جایی که می‌رفت، همراه خود خوشنویس و سنگ‌تراش می‌برد، لذا او در طاق بابر یک کتیبه اضافه کرد و در آن با نوشتن نام همایون و اکبرشاه به ذکر همه ممالک مفتوحه و متصرفات پادشاهی که تا آن زمان نصیب و شامل سلاطین گورکانی شده بود پرداخت (احمد، ۱۳۸۵، ج ۱: ۱۷۹).

میرمعصوم، مساجد، سراها و چاه‌های بسیاری را احداث نمود. از میان بناهای منسوب به وی در سکر مناره مخصوص و بقعه مزار وی و گنبد دریایی معروف است. وی نه فقط سرداری شجاع و دلیر بلکه طبیعی ماهر نیز محسوب می‌شد. یکی از مشاغل وی خوشنویسی بود، او شاعری خوش قریحه بود و «نامی» تخلص می‌کرد. میرمعصوم در شعر و ادبیات فارسی در دوران خود سرآمد و ممتاز بود. چنانچه خمسه مشهور به *نامی* از آثار ارزشمند وی در این عرصه بوده و در حقیقت پنج مثنوی او در جواب خمسه نظامی گنجوی است (احمد، ۱۳۸۵، ج ۱: ۱۸۲-۱۸۳). این مثنوی‌ها عبارتند از: *معدن الافکار*، *حُسن و ناز*، *اکبرنامه*، *رُئی صورت و خمسه متحیره* (احمد، ۱۳۸۵: ۱۸۱ و ۱۸۲). کسانی که اشعار او را بررسی کرده‌اند معتقدند که در تمام دیوان وی حتی یک قصیده در مدح کسی دیده نشده است (بکری، ۱۳۸۲: مقدمه).

از ویژگی‌های دیگر او، آشنایی با طب بوده است به طوری که دو کتاب در این رشته از وی اشتها دارد که به نوشته ظهورالدین احمد، یکی *طب نامی* که نسخه‌ای از آن نزد یکی از احفاد وی به نام سیدمنور علی معصومی و دیگری *مفردات معصومی* که در دست شخصی به نام شیخ عبدالرحیم از کارکنان شهرداری شهر روه‌ری بوده است. اثر مذکور در باب مداوای بیماری‌های چشم، گوش، حلق و گزیدگی حیوانات تألیف شده است (منزوی، ۱۳۵۰، ج ۱: ۹۲؛ بکری، ۱۳۸۲: ۱۷۹) البته با توجه به گزارش احمد منزوی به دست می‌آید که نسخی از این اثر در کتابخانه‌های شبه‌قاره نیز وجود دارد که دو

مورد از آن در کتابخانه‌های پاکستان از جمله یکی در دانشگاه پنجاب لاهور و دیگری در مجموعه شیرانی دانشگاه لاهور موجود است (منزوی، ۱۳۶۷، ج ۱: ۶۵۰). تبجروی در شعر و ادب گونه‌ای بود که عبدالقادر بدایونی طبع بلند او را ستوده و آورده است: «سلیقة درست در شعر و معما و طبعی بلند و فطرتی عالی دارد» (بدایونی، ۱۳۷۹: ۲۴۸).

آثاری از میرمعصوم در ایران از جمله اصفهان

میرمعصوم علاوه بر جهات سیاسی و فرهنگی در توسعه امور و احداث آثار و ابنیه نیز پیش‌گام بوده و از پرتو ذوقیات و علاقه خود یادگارهایی را بر جای گذاشته است، کتیبه‌های یادبود با تاریخ عبور نصب می‌کرد که هنوز نمونه‌هایی از آن را می‌توان در ایران، افغانستان و شبه قاره به ویژه پاکستان ملاحظه نمود (صافی، ۱۳۸۷: ۹۰). از نکات جالب توجه این است که در مدت توقف میرمعصوم در پایتخت صفویان یعنی اصفهان آثاری از وی بر جای مانده به طوری که در مسجدعلی روبه‌روی هارونیه این شهر با گذشت بیش از چهار قرن هنوز اثری وجود دارد و آن لوح سنگی مرمرین به طول ۱/۱۶ متر و عرض ۹۵ سانتی‌متر در ضلع شمالی مسجد و بر جرز غربی ایوان آن است که به خط نستعلیق برجسته اشعاری پراکنده و عباراتی بر آن حجاری شده و در سمت آخر کتیبه نام محمد معصوم الحسینی النامی دیده می‌شود. معصومی پس از آن که به عنوان سفیر هند در ایروان با شاه عباس ملاقات نمود به اصفهان آمد و اشعاری را که از آثار اوست در مسجدعلی به یادگار گذاشته که این اشعار برگرفته از مثنوی موسوم به *معدن الافکار* و در باب معراج و توحید است. به نوشته مؤلف *گنجینه آثار تاریخی اصفهان* به جز این اثر، میرمعصوم کتیبه‌ای دیگر بر دیوار کاروان‌سرای شاه‌عباسی بین کاشان و مورچه‌خورت و به تاریخ ۱۰۱۳ قمری از خود بر جای گذاشته است (هنرفر، ۱۳۵۰: ۳۷۷-۳۷۹).

با توجه به تتبعات آیت‌الله‌العظمی مرعشی نجفی (ره) در سفرهایی که سال‌های ۱۳۵۰ و ۱۳۵۱ قمری به اصفهان داشته‌اند در بقعه هارونیه قبر میرزا محمدعلی شاعر برادر میرزا محمد معصوم حسینی نامی قرار دارد و احتمال دارد وی به همراه برادرش که به عنوان سفارت از هند به نزد شاه‌عباس اول آمده بود در اصفهان ساکن و ماندگار شده باشد (مرعشی نجفی، ۱۳۷۹، ش ۴: ۱۰؛ مهدوی، ۱۳۴۸: ۴۴۴).

معرفی تاریخ سند معروف به تاریخ معصومی

بی شک اولین تاریخ فارسی که در باب سند نوشته شده ترجمه *چچ نامه* است که علی بن حامد کوفی در سال ۶۱۳ هجری از یک کتاب ناشناس عربی به فارسی آورده است. پس از کوفی هیچ کس تاریخ این ناحیه را ننوخته و اگر احیاناً نوشته دست خوش روزگار گشته و اکنون نشانی از آن نمانده است. تقریباً چهار قرن بعد از تألیف *چچ نامه*، محمد معصوم بکهری به نوشتن *تاریخ سند* مبادرت ورزیده است که امروزه به *تاریخ معصومی* اشتهار دارد (اصغر، ۱۳۶۴: ۱۶۷). سید حسام‌الدین راشدی، ادیب و محقق نامور شبه قاره، در اهمیت این کتاب می نویسد:

این اولین کتابی است که بعد از *چچ نامه* راجع به تاریخ سند تألیف شده است و حاوی مطالب تاریخی از ابتدای دوره اسلام تا زمان فتح سند به دست اکبرشاه می باشد. مؤلف اثر، در جنگی که منجر به فتح سند شد، همراه خان خانان بوده، از لحاظ خانواده‌های ارغون و ترخان این کتاب از همه آثار موجود مهم تر است. چون اطلاعاتی که در تاریخ معصومی راجع به این دو خانواده آمده در هیچ کتاب دیگر مفصل تر از اثر مذکور نمی باشد و حتی ابتدای احوال ارغونیان این چنین در تألیفی دیگر ضبط نشده و نیز هر چه در مآثر رحیمی درباره سند آمده از این کتاب گرفته شده بلکه اکثر مطالب عیناً از آن نقل شده است (تتوی، ۱۹۶۵: مقدمه).

سبب نوشتن کتاب

چنان که از متن کتاب برمی آید نویسنده کتاب را برای حکام زمانه و از سر حب وطن ننوخته چنان که خود گفته:

مدتی است که در خاطر فاتر این معنی خطور می کرده که شمه ای از وقایع فتح و احوال حکام سند در قید کتابت درآورد و تتبع آثار و تفحص اخبار نموده مجموعه ای سازد... تا در این ایام که قره عینی و ثمره فوادی میربزرگ باعث تحریر و تألیف و سبب تسویه و تصنیف این نمقه گردیده علت غایی این وثیقه گشت (بکری، ۱۳۸۲: ۳)

او اثر را برای فرزند نگاشت تا دانش و تجربیات خود را اختیارش قرار دهد.

نسخ کتاب

کتاب *تاریخ سند* معروف به *تاریخ معصومی* با تصحیح و تعلیقات عمر بن محمد داوود پوته به سال ۱۳۵۶ قمری برابر با ۱۹۳۷ میلادی و در شهر پونای هند صورت گرفته و نیز اثر مذکور در سال ۱۳۸۲ شمسی در تهران توسط انتشارات اساطیر به صورت افست منتشر شده است.

داوود پوته از تعداد متعدد نسخ *تاریخ معصومی* علیرغم تلاش‌های بسیار، موفق به یافتن چند نسخه محدود شده است و در این مورد آورده است:

نسخ *تاریخ معصومی* بسیار است و در جاهای مختلف منتشر شده است چندی در متحف بریتانی موجود است، یکی در اداره هند در لندن و یکی دیگر نیز در انجمن همایون آسیایی در کلکته هم چنین نسخه‌ای دیگر در مکتبه بانکی پور [پتنا] وجود دارد. بنده [داوود پوته] برای حصول این دو نسخه مؤخر خیلی کوشش نمودم، اما اولیاء امور این دو مکتبه عاریه ندادند. لهذا نسخه‌ای را که در حوزه ملک بنده است و کهن‌ترین همه می‌باشد اساس قرار داده با نسخ دیگر که به آسانی میسر شد مقابله نموده، قرأت مختلفه را ثبت نموده‌ام و در تصحیح و تصویب متن حتی المقدور هیچ دقیقه فرو نگذاشته‌ام (بکری، ۱۳۸۲: مقدمه).

نسخه مورد استفاده داوود پوته، به نوشته خودش صحیح‌ترین و قدیمی‌ترین نسخه موجود بوده است که در کمبریج آن را به دست آورده و استنساخ آن در سال ۱۰۴۵ قمری یعنی بیست و شش سال پس از فوت میرمعصوم توسط شخصی به نام محمدرضا بن عبدالواسع عرف میردریایی بن داروغه گهر صورت پذیرفته است. البته داوود پوته از نسخ دیگری از جمله نسخه کتابخانه ملافیروز بمبئی، مکتبه محمدی متعلق به مسجد جامع بمبئی، نسخه کتابخانه پیرغلام مصطفی ولد پیر حزب‌الله شاه و نیز نسخه سادات معصومی بلده سکهر بهره برده است (بکری، ۱۳۸۲: مقدمه). هم چنین نویسنده کتاب *تاریخ نویسی فارسی در هند و پاکستان* از چند نسخه قدیمی تاریخ *سند معصومی* در کتابخانه‌های پاکستان از جمله کتابخانه عمومی شهر لاهور یاد کرده است (اصغر، ۱۳۶۴: ۱۷۱).

منزوی از ده نسخه خطی موجود در کتابخانه‌های پاکستان نام برده، پنج نسخه آن در لاهور، سه نسخه در کراچی و دو نسخه در حیدرآباد است که از این تعداد ۴ نسخه

مربوط به قرن دوازدهم هجری و بقیه متعلق به قرن سیزدهم و اوایل قرن چهاردهم هجری می باشد و عمده آن به خط نستعلیق است (منزوی، ۱۳۶۷، ج ۱۰: ۴۱۰-۴۱۱).

اجزاء کتاب

- این کتاب دارای یک مقدمه و چهار جزء بدین ترتیب است.
۱. گشودن سند به دست مسلمانان در روزگار خلافت ولید بن عبدالملک و تاریخ آن سرزمین در دوره امویان و عباسیان.
 ۲. تاریخ سند در دوره سلاطین دهلی و روزگار سومره‌ها.
 ۳. دوره حاکمیت ارغونیان، ترخانیان و محمودخان بکهری (مدت حکومت، وقایع و محاربات ایشان).
 ۴. تصرف سند به دست جلال‌الدین اکبر گورکانی (حک ۹۶۳-۱۰۱۴ ق) و صوبه داران (استانداران) سند در دوره گورکانیان تا زمان نگارش کتاب.

شیوه تاریخ نگاری معصومی

شیوه نگارش تاریخ سند معصومی بسیار ساده، سلیس و روان است و با توجه به این‌که نویسنده خود شاعری زبردست بوده و با روش‌های کتابت آشنا بوده اما کتاب خود را از تکلفات شاعرانه مصون داشته است (احمد، ۱۳۸۵، ج ۱: ۱۸۱). به همین دلیل اثر او دارای ارزش ادبی زیادی است و یکی از متون متین و دل‌نشین فارسی به شمار می‌رود. جملاتش محکم و انشایش عاری از پیچیدگی است، یکی از خصائص سبک انشاء آن آوردن کلمات و جمل مترادف و به کار بردن آیات، احادیث، اشعار و آراستن عبارات به صنایع بدیهی از قبیل تشبیهات، مجازات و استعارات است. با این همه در آن حد اعتدال مراعات شده و از حدود لطافت، بلاغت و فصاحت خارج نشده است. فقط در بعضی موارد مانند مقدمه و تثبیت عناوین در آن نثر مسجع به کار رفته است و بقیه متن از قید تصنعات و تکلفات منشیانه آزاد و بسیار روان است (اصغر، ۱۳۶۴: ۱۶۹).

این عبارات نمونه‌ای از طرز انشای این کتاب است:

صبح آن آثار قرب وصول لشکر قیامت اثر محمدخان شیبانی با سپاه افزون از
حوادث آسمانی ظاهر گشت. سپاه خاقانی برانغاز و جوانغار آراسته به میدان قتال

رسیدند و شاهزاده‌ها نیز به تعبیه لشکر پرداخته صفوف قتال آراستند. از طرفین خروشیدن بهادران و آواز نفیر و نقاره و سورن از ایوان کیوان درگذشت. امیر ذوالنون با جمعی شیران پیشه رزم‌آزمای در معرکه ستیز به ضرب شمشیر نهنگ آهنگ جمعی از سالکان مسلک پهلوانی را به غرقاب انداخته و به کرات و مرآت بر لشکر اعداء تافت. اما چون عساکر اوزبک باضعاف مضاعفه خراسانیان بودند و به سال دریا موج موج و فوج فوج از عقب یکدیگر به کومک می‌رسیدند، سپاه شاهزاده‌ها از مقاومت عاجز گشته عنان عزیمت بوادی هزیمت تافتند (بکری، ۱۳۸۲: ۱۰۱).

نقد و بررسی محتوایی اثر

در حقیقت از تاریخ *سند معصومی* اطلاعات منحصر به فرد و گران‌بهایی در زمینه پیشینه آن جا به دست می‌آید؛ چنان‌که بیش‌تر تاریخ‌نویسانی که پس از وی درباره این سرزمین نوشته‌اند بی‌تردید از کتاب میرمعصوم به عنوان منبع اول بهره برده و مطالب زیادی را عیناً از آن نقل نموده‌اند. سال تألیف کتاب ۱۰۰۹ قمری و ده سال پیش از فوت وی بوده است.

آن‌چه در *عمده مطالب* چهار جزء اثر مشهود است این است که نویسنده در درجه اول به مسائل سیاسی و نظامی پرداخته است و تنها در یک جزء (جزء سوم) به مسائل فرهنگی به ویژه معرفی علما و اندیشمندان، سادات و مشایخ، قضات و فضلا، شعرا و ادبا می‌پردازد و در تمام اثر مسائل اجتماعی، اقتصادی و عمرانی موردی قابل‌اعتنا یافت نمی‌شود. در واقع جزء سوم یک فرهنگ‌نامه محلی از رجال و مشاهیر سند می‌باشد.

در جزء اول اثر بیش‌تر نقل قول‌ها از کتاب‌های قبلی در باب سند از جمله چچ‌نامه سند است. در ابتدای این جزء که مقدماتی در زمینه ورود اسلام به شبه‌قاره است به دولت هند و مذهب داهر بن چچ قبل از ورود محمد بن قاسم پرداخته و علل ورود سپاه اموی در سال ۹۲ هجری را مورد بررسی قرار داده و به فتوحات در مناطقی مانند سیوستان، الور، ملتان، دیبالبور، قنوج و مکران اشاره داشته است (بکری، ۱۳۸۲: ۲۰-۲۶). هم‌چنین گماردن حکام پس از فتح شهرها از سوی محمد بن قاسم در اوایل سال ۹۲ قمری و نیز موضوع جمع‌گنایم و ارسال آن به شام و یا تبدیل بت‌خانه‌هایی در سند

از جمله شهر الوربه نمازخانه یا مسجد از موارد نقل شده در اثر است (بکری، ۱۳۸۲: ۲۵-۲۸).

از جمله اشتباهاتی که در این جزء و در چند موضع به چشم می‌آید، به جای دمشق مرکز خلافت اموی سخن از دارالسلام بغداد است که در آن زمان به وجود نیامده بود و بیش از نیم قرن پس از ولید و در زمان منصور عباسی و به سال ۱۴۵ ق بنیان گذاشته شده است (بکری، ۱۳۸۲: ۴، ۶ و ۲۶) و یا شکایت دختران داهر هنگام اسارت از محمد بن قاسم به ولید در دمشق و نحوه قتل محمد بن قاسم به دستور ولید و نیز انداختن دختران داهر به دجله (بکری، ۱۳۸۲: ۳۱) زیرا محمد بن قاسم در زمان سلیمان بن عبدالملک کشته شد و نیز حکایت دختران داهر ساختگی به نظر می‌رسد (بکری، ۱۳۸۲: ۲۶۵ و ۲۶۶) در انتهای جزء اول کتاب، نام کارگزاران سیاسی بنی امیه در سند پس از محمد بن قاسم و نیز اولین فرستادگان عباسیان به این سرزمین آمده است (بکری، ۱۳۸۲: ۳۱).

جزء دوم نیز بیش‌تر بر محورهای سیاسی و سلسله‌های حکومتی است که در آن به صورت کوتاه از دوران غزنویان و انقراض آنان و سپس دولت غزنویان از جمله غیاث‌الدین (حک ۵۸۸-۵۶۹ ق) و شهاب‌الدین (حک ۵۶۹-۵۹۹ ق) سپس گماشتگان او چون قطب‌الدین ایبک (حک ۶۰۲-۶۰۷ ق) و اقدامات او مطالبی نقل شده است (بکری، ۱۳۸۲: ۳۴ و ۳۵). در این جزء عمده نوشته‌ها در باب سلاطین دهلی است و گاهی نیز گریزی به وقایع و اتفاقات سیاسی و حکومتی سند داشته و یادی از ناصرالدین قباچه حاکم اوچه (م ۶۲۴ ق) نموده است (بکری، ۱۳۸۲: ۳۵). از جمله محاصره سیوستان توسط مغولان و مجاهدت‌هایی که برخی حکام و سلاطین دهلی و سند نسبت به دفع تهاجم مغول داشته‌اند. وقایعی از ملتان، طغیان مردم سومره (بکری، ۱۳۸۲: ۴۷-۵۰) و نیز استقلال حکام سند از اطاعت شاهان دهلی و بیان حکومت سومره و سمه که سلاطینی تحت عنوان «جام» بر سند حکومت داشته‌اند (بکری، ۱۳۸۲: ۵۹-۶۰). معصومی حاکمیت سومره بر سند را پس از سلطنت عبدالرشید بن مسعود غزنوی در اواسط قرن پنجم هجری می‌داند (بکری، ۱۳۸۲: ۶۰) در حالی که مصحح اثر یعنی داوود پوته به نقل از آیین اکبری، حکام سومر را ۳۶ نفر و آغاز حاکمیت آنان را از اواسط قرن سوم هجری نوشته است (بکری، ۱۳۸۲: ۲۸۶-۲۸۷). آن‌چه که از تاریخ سند

میرمعصوم استنباط می‌شود اگر ابتدای آنان (سومره) را از نیمه قرن پنجم هجری و از سلطنت انزین بابنیه تا اواخر سال ۹۲۶ ق و حاکمیت جام فیروز بدانیم، سومرگان حدود ۵ قرن بر سند استیلا داشته‌اند که با فراز و نشیب‌هایی همراه بوده است (بکری، ۱۳۸۲: ۶۲ و ۷۹). اطلاعات این بخش از جزء دوم عمدتاً به تحولات حکومت جام‌ها، برخی امور مربوط به طوایف و مهار آنان و نیز صفات و خصوصیات اعم از عدل یا ظلم و شیوه حاکمیت فرمان‌روایان می‌باشد و نشان‌گر تأثیرپذیری یا استیلای برخی سلاطین دهلی بر تعدادی از جام‌ها بوده است (بکری، ۱۳۸۲: ۶۵ و ۶۶).

در موضوع علم‌دوستی و ایجاد مدارس و خانقاه‌ها می‌توان اواخر دوران جام‌ها نمونه‌هایی را مثال زد از جمله دوران جام نظام‌الدین در اواخر قرن نهم هجری که وی با حسن تدبیر نسبت به همسایگان و نیز مردم قلمروش به ویژه دانشمندان احترام گذارده و آنان را تکریم می‌نمود. جام مذکور از ملا جلال‌الدین دوانی (متوفی ۹۰۸ ق) جهت عزیمت به سند دعوت نمود که با وفات دوانی این مسأله منتفی گردید. سقوط نظام سیاسی جام‌ها با لشکرکشی ارغون به سال ۹۳۶ قمری صورت پذیرفت (بکری، ۱۳۸۲: ۱۸ و ۷۹).

سومین جزء کتاب *تاریخ سند* معصومی هر چند عمده مطالب درباره حکام ارغونیه به ویژه استیلای آنان بر سند است اما قسمت‌هایی در باب قلمرو تیموریان هرات و نواحی تحت سلطه آنان از جمله بلخ، قندهار و کابل است (بکری، ۱۳۸۲: ۸۰-۱۱۳) و یا اتفاقات مربوط به برخی حوادث هم‌زمان با ابتدای صفویان در ایران (شاه اسماعیل اول) یا روی کار آمدن بابریان در هند (بکری، ۱۳۸۲: ۱۰۴) و نیز تسلط شیرخان سوری بر همایون است؛ هم‌چنین درگیری‌ها و محاربات امرای محلی در مناطق سند، ملتان و تهته و اقدامات نظامی ارغونیان، ترخانیان و محمودخان بهکری است (بکری، ۱۳۸۲: ۱۸۳-۱۹۴).

قسمت سوم اثر، نسبت به دو بخش قبلی و نیز جزء آخر از تنوع بیش‌تری برخوردار است زیرا به غرائب و دیدنی‌های مناطقی از سند چون «سیوی» اشاره نمود و از وسعت نهال‌های پنبه، وجود حیات‌وحش از جمله مارهای گزنده و آب‌گوگرد مهلک آن یاد کرده (بکری، ۱۳۸۲: ۲۵) و از مکانی تاریخی و زیارتی مانند «کوه مکی» که از جمله قبرستان‌های مهم معنوی در سند و شبه‌قاره و مدفن بسیاری از عرفا، دانشمندان و

سلطین است اخباری ارائه نموده است (بکری، ۱۳۸۲: ۱۹۳ و ۱۹۴).

در کنار اطلاعات شایان و ارزشمندی که در باب ارغونیان مانند امیر ذوالنون و پسرش شاه بیگ آورده، هم‌زمانی و رویت حوادث و اتفاقات از سوی نویسنده بر ارزش کار او افزوده است. از حکامی که هم‌زمان با ارغونیان در برخی مناطق سند از جمله بهکر و لنگان استیلا داشته نام برده و اخباری در اختیار می‌گذارد، از جمله این‌که سلطان محمودخان بهکری را اصفهانی‌الاصل و از موضعی به نام خواسکان یا خراسان دانسته که باید همان خوراسگان اصفهان باشد. نویسنده از اجداد محمودخان و علل انتقال آنان به سند، مطالبی را عرضه کرده که قابل تأمل است (بکری، ۱۳۸۲: ۲۱۸).

ورود و نفوذ تدریجی اروپائیان به هند و سند در اواخر قرن دهم و اوایل قرن یازدهم هجری که معصومی به آن‌ها اطلاق فرنگی نموده، نشان می‌دهد که آنان در برخی درگیری‌های داخلی سند دخالت داشته و در نبردی که بین میرزا عیسی‌خان ترخان با محمدخان بهکری صورت گرفته در جانب‌داری از عیسی‌خان شهر تهته را غارت و بسیاری از اماکن و محلات آنان را آتش زده و تعدادی را به اسارت گرفته‌اند. البته این‌که آن‌ها از کدام ملیت اروپایی بوده‌اند سخنی نیاورده و جزئیات آن را بررسی نکرده است (بکری، ۱۳۸۲: ۲۰۷) اما با توجه به این‌که مهاجمان غربی از بندر گووه (گوا) به تهته وارد شده‌اند (بکری، ۱۳۸۲: ۲۰۷) و در آن زمان این بندر در تصرف پرتغالی‌ها بوده می‌توان حدس زد که غارت‌گران تهته از این کشور اروپایی بوده‌اند.^۱

در لابه‌لای نوشته‌های میرمعصوم جایگاه سادات در سند دوران ارغونی و ترخانی رفیع و همراه با اعزاز و احترام است به ویژه دوران طولانی میرزاشاه حسن و پسرش شاه بیگ که موجب و عطایایی برای آنان مقرر شده بود (بکری، ۱۳۸۲: ۱۹۵) و نیز مهاجرت گروهی از سادات خراسان از جمله شاه قطب‌الدین طیب به دلیل موقعیت سند و حملات ترکمانان به خراسان (بکری، ۱۳۸۲: ۱۹۸) و کوچ برخی سادات سبزوار (بکری، ۱۳۸۲: ۱۳۵) و یا ورود تعدادی از سادات خاندان انجوی شیراز که در عصر حاکمیت عیسی ترخان و پسرش

۱. بندرگوا نخستین بندر مهم شبه‌قاره هند بود که در سال ۹۱۶ ق/ ۱۵۱۰ م به وسیله آلبوکرک به تصرف پرتغالی‌ها درآمد. بعد از استقلال هند از انگلستان پرتغالی‌ها هم‌چنان حاضر به تخلیه گوا و چند منطقه ساحلی دیگر نبودند تا این‌که ارتش هند به سال ۱۹۶۱ م وارد گوا شد و به اشغال‌گری پرتغالی‌ها خاتمه داد. با این حال میراث چهار قرن ونیم استعمار پرتغال هم‌چنان باقی است و گوا پایتخت توریست، فساد و فحشا در شبه‌قاره محسوب می‌شود.

محمد باقی یعنی در اواخر قرن دهم و اوایل قرن یازدهم هجری صورت گرفته است (بکری، ۱۳۸۲: ۲۱۶). عنایت و التفات حکام و بزرگان سند به آستان ائمه معصومین علیهم السلام از جمله امام علی بن موسی الرضا علیه السلام قابل توجه است به طوری که وقتی یک جفت نقاره از روضه مطهر رضویه توسط شخصی به نام سیدجعفر برای سلطان محمودخان حاکم بهکرا ارسال شد، وی جشن و سرور برپا نمود و به سادات منطقه بخشش های مالی بسیاری نمود (بکری، ۱۳۸۲: ۱۸۹).

علی رغم این که میرمعصوم از سوی اکبرشاه گورکانی به سفارت یا ایلچی گری به دربار شاه عباس اول صفوی رفته لیکن اطلاعاتی در باب صفویان جز سه مورد که آن هم مربوط به ارتباط حاکم بهکری یعنی سلطان محمودخان با شاه طهماسب صفوی (حک ۹۳۰-۹۸۴ ق) است در *تاریخ سند* او دیده نمی شود. به طوری که در سال ۹۶۵ قمری محمودخان بهکری از سوی پادشاه ایران عنوان «خانی» لقب گرفت و برخی هدایا و تحف از طرف دربار صفوی برای وی ارسال گردید، به نوشته میرمعصوم محمودخان از این بابت مسرور و خود را متمایز و سرافراز یافت (بکری، ۱۳۸۲: ۲۳۳). باز در جایی دیگر سخن از استقبال سلطان محمودخان از هیأتی است که شاه طهماسب در سال ۹۶۹ قمری جهت وی فرستاده بود، در این سفارت «حق بردی بیک» ایلچی از سوی دربار صفوی هدایایی از جمله حلقة لعل، تاج و کمرمرصع، خلعت فاخره، چتر و برخی تحف دیگر را به محمودخان تقدیم نمود. حاکم بهکری نیز مدت یکسال از فرستاده شاه ایران پذیرایی نمود و پس از آن یکی از امرای خود به نام سیدابوالمکارم فرزند میرغیاث الدین محمد سبزواری را به رسالت یا سفارت نزد شاه طهماسب می فرستد و در آن جا سلطان صفوی به سلطان محمودخان عنوان «خان خانی» اعطا نموده و اقلام و هدایایی برای او منظور کرده است. میرغیاث الدین نیز که عازم سفارت به دربار ایران گردید شخصیتی فرهیخته بود که به فضایل و کمالات علمی و فرهنگی آراسته و دارای ذوقی والا در شعر و ادب توصیف شده است (بکری، ۱۳۸۲: ۲۲۵ و ۲۳۹). موارد مذکور تا حدی نشان گر نفوذ سیاسی صفویان در دوران شاه طهماسب اول در منطقه سند به ویژه بهکری می باشد و اخبار خاصی به بیان دقیق تری از مراودات اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و حتی سیاسی با ایران آن زمان باشد در آن وجود ندارد.

با استناد به جزء سوم *تاریخ معصومی* اقبال به مسائل فرهنگی در دوران ارغونیان

و ترخانیان از ناحیه سلاطین، حکام و کارگزاران مشهود است زیرا میرزاشاه حسن و شاه‌بیگ در مجالس علما شرکت می‌کردند و از دانش آنان بهره‌مند می‌شدند (بکری، ۱۳۸۲: ۱۲۸).

معصومی در جزء سوم و در سه قسمت به سادات، علما، مشایخ، قضات، فضلا و شعرای ادوار حاکمیت میرزاشاه حسن، میرزا عیسی خان و پسرش میرزا محمدباقی خان و سلطان محمود بهکری اشاره دارد که بسیاری از آنان در علوم دینی از جمله فقه، تفسیر و اخبار و نیز دانش‌های ادبی به ویژه عربی و فارسی تبحر داشته و صاحب دیوان‌های شعر بوده یا منصب شیخ‌الاسلامی، افتاء و قضاوت داشته‌اند و این نشان‌گر مطلوب بودن نسبی ایام مذکور از حیث رونق علمی و ادبی در سند و نواحی آن بوده است (بکری: ۱۳۸۲: ۱۶، ۲۱۵ و ۲۳۷).

چهارمین جزء یا قسمت پایانی تاریخ معصومی نسبت به سه جزء قبلی از حیث مطالب مختصرتر و دربرگیرنده اطلاعاتی است که نویسنده عمدتاً خود شاهد و ناظران بوده است؛ از جمله ورود سپاه اکبرشاه به سند و محاصره جانی بیگ، آخرین حاکم ترخانی، سند و تسلیم وی پس از مدتی مقاومت که مربوط به سال ۹۹۶ قمری است (بکری، ۱۳۸۲: ۲۴۹-۲۴۹). از عوامل مهم پیروزی در این فتوحات خان خانان بوده (بکری، ۱۳۸۲: ۲۵۰-۲۵۱) پس از تصرف سند اکبر گورکانی برای آن‌جا حکام و عواملی را برگزید که معصومی به آن‌ها اشاره کرده است (بکری، ۱۳۸۲: ۲۴۲-۲۵۷) ملاقات میرمعصوم با پادشاه گورکانی در همین ایام صورت گرفته است (بکری، ۱۳۸۲: ۲۵۰-۲۵۱) جانی بیگ، حاکم سند نیز بعد از دستگیری مورد عنایت شاه گورکانی قرار گرفته و ولایت تهته پس از مرگ جانی بیگ در ۲۷ شهر رجب سال ۱۰۰۸ ق به فرزندش غازی بیگ واگذار شده است (بکری، ۱۳۸۲: ۲۵۷).

از جمله موارد اشکال به تاریخ معصومی ضبط نادرست برخی تواریخ است که مصحح از آن یاد کرده و در حواشی آن را با سایر آثار و منابع تاریخی هم‌زمان مقایسه نموده است که از جمله آن‌ها همین تاریخ وفات جانی بیگ است که داوود پوته به نقل از «مآثر رحیمی» آن را یک سال قبل از آن‌چه که معصوم ضبط کرده یعنی در ۲۷ رجب ۱۰۰۷ دانسته است (بکری، ۱۳۸۲: ۳۱۸).

آن‌چه که این جزء (چهارم) و جزء قبلی را منبع و مأخذ عمده و اصلی منابع بعدی

مربوط به تاریخ سند قرار داده، همین حضور و مشاهدات مؤلف اثر در جریانات و حوادث در آن ایام بوده است (بکری، ۱۳۸۲: ۳۱۸؛ اصغر، ۱۳۶۴: ۲۷).

اشکالات وارده بر تألیف

علیرغم ویژگی‌های مثبت و قابل اعتنای *تاریخ سند معصومی* نکات ضعف و نارسایی‌هایی در این اثر یافت می‌شود از جمله این‌که: وی در گزارش برخی وقایع تاریخی به ویژه جزء اول دچار اشتباهاتی گردیده، خاصه مشهود است که واقعه حمله محمد بن قاسم به هند را به دقت در منابع اصلی چون *فتوح البلدان* و *یاتاریخ یعقوبی* مورد بررسی قرار نداده است (آل داوود، ۱۳۸۳: ۱۳۱). هم‌چنین وی مستندات خود را دقیق ارائه نکرده و تنها به ذکر منابعی چون *حج‌نامه* [فتح‌نامه سند]، *تاریخ‌گزیده* [مستوفی] و *تاریخ مره‌الجنان* [یافعی] اکتفا نموده و نحوه بهره‌برداری و یا مطالبی که از این آثار تفکیک و جدا نموده را نیاورده و به قولی هنگام اقتباس از کتب قدیم نیز احتیاط و تحقیق را به کار نبرده است (احمد، ۱۳۸۵: ۱۸۰). از دیگر اشکالاتی که به این اثر می‌توان وارد نمود این است که نویسنده در جزء دوم مطالب تاریخی غیرمرتبط با کتاب را آورده است از جمله احوال سلاطین دهلی که اساساً ارتباطی با ناحیه سند نداشته است (بکری، ۱۳۸۲: ۳۲-۶۰) و نیز با توجه به این‌که در سنت تاریخ محلی نویسی باید اشاره‌ای به جغرافیای طبیعی و انسانی سند می‌شد این موضوع در اثر به چشم نمی‌خورد فقط در جزء سوم به شرح زندگانی علما، سادات، مشایخ، قضات، فضلا و شعرایی پرداخته که معاصر پادشاهان مذکور بوده‌اند (بکری، ۱۳۸۲: ۱۹۶). هم‌چنین برخی نیز اشکالات تاریخ معصوم از جمله در ضبط پاره‌ای از ایام و تواریخ را ناشی از تألیف و تدوین کتاب او در زمان سال خوردگی و پیری وی و ناشی از عدم دقت لازم او در آن دوره قلمداد کرده‌اند (یاری، ۱۳۸۸: ۳۱).

مزایای اثر

۱. روان بودن متن، خواننده را در اخذ مطلب و شناخت آسان اطلاعات کمک می‌کند.
۲. سعی نویسنده بر آن بوده تا با نوشتن مطالب تاریخی جنبه‌های معنوی و اخلاقی و الهام از سنت‌های شایسته و عبرت و درس گرفتن از بزرگان را تقویت نماید، چنان‌چه

میرمعصوم در ابتدای اثر علت نوشتن کتاب را عبرت و تنبه ذکر نموده است.
۳. علی‌رغم شم قوی ادبی و احاطه فراوان به رموز آن و صاحب نظر بودن نویسنده کتاب در نثر و نظم، سعی بر آن نموده که تألیف را از تکلفات شاعرانه مصون داشته و حفظ نماید.

۴. به اعتقاد داوود پوته که خود محققى توانا بوده اثر میرمعصوم یعنی *تاریخ سند* در بسیاری از اطلاعات به ویژه در باب سند فراتر از آثاری مانند *طبقات ناصری*، *تاریخ مبارک شاهی*، *طبقات اکبری* و *مآثر رحیمی* است.

۵. ذکر احوال و وقایع حکومت ارغونی و نیز بیان احوال میرزاجانی بیگ از جمله مطالب اثر است که در عهد وی ایالت سند جزو کشورهای مفتوحه جلال‌الدین اکبرشاه گورکانی درآمد (۱۰۰۱ ق) و بدین دلیل که نویسنده خود شاهد و ناظر وقایع بوده، بنابراین بیان اخبار به لحاظ حضورش مورد اعتماد و قابل پذیرش است زیرا در فتح سند پایین به دست خان‌خانان میرمعصوم از بزرگان سپاه و سرداران لشکر بوده است.

۶. از دیگر دلایل اعتبار و اهمیت اثر، ذکر علماء و فضلاء آن دوره است که می‌توان این جزء را فرهنگ‌نامه محلی نامید و به جهت شناخت رجال و دانشمندان عصر نویسنده، منبع خوبی برای تذکره‌ها و کتب تراجم می‌باشد. از جمله این‌که از نام و احوال بسیاری از آنان می‌توان پی برد که دانشمندان و فرهیختگان بسیاری از مهاجرین ایرانی به سرزمین سند بوده‌اند و این بخش کتاب تاریخ فرهنگی سند می‌باشد.

۷. مقام و موقعیت سیاسی، علمی و هنری میرمعصوم و نیز تقید و تعبد او از جمله امتیازات شخصی و اجتماعی وی است و این موضوع در نوشته‌های او به ویژه اثرش به چشم می‌خورد خاصه این‌که وی از بزرگان و امرا دولت مقتدر اکبرشاه و سفیر و فرستاده او در دربار شاه‌عباس اول صفوی بوده است.

نتیجه

تاریخ سند معروف به *تاریخ معصومی* به دلیل دقت ادبی و ارائه اطلاعات بسیار تاریخی از جمله بهترین تاریخ‌های نوشته شده فارسی در بین تواریخ محلی شبه قاره هند به ویژه منطقه سند به شمار می‌رود زیرا پس از چندین قرن از نوشتن و نیز ترجمه *حجج نامه*، این اثر در تبیین و ترسیم موقعیت سند از گذشته تا عصر محمد بن معصوم بکری (اواخر عهد

سلطنت اکبرشاه گورکانی) تألیفی نسبتاً ممتاز و بدیع به شمار می‌رود. این کتاب را می‌توان اولین تاریخ محلی فارسی درباره سند قلمداد نمود زیرا *حیح‌نامه* یا *فتح‌نامه سند* در قرن ششم هجری از عربی به فارسی برگردانده شده است. این اثر هرچند در برخی موارد برگرفته از آثار گذشته و گاهی بدون ذکر مأخذ به طور دقیق و استناد به صورت صریح است و نیز هم‌چنین برخی مطالب چندان ربطی به موضوع و یا عنوان کتاب ندارد اما دقت ادبی و تبیین بعضی وقایع در اجزاء سوم و چهارم به ویژه ذکر دانشمندان و رجال زمان خود و اتفاقات ترخانیه و وقایع دوران تیموریان تا اکبر و مدتی پس از او به دلیل هم‌زمانی با دوره نویسنده کم‌نظیر است و همین موضوع باعث مبنا قرار گرفتن *تاریخ معصومی* برای تألیفات و آثار بعدی در تاریخ محلی سند گردیده است که در این باب می‌توان *تاریخ طاهری*، *بیگلرنامه*، *ترخان‌نامه* و *تحفه الکرام* را مثال زد.

آگاهی‌هایی که معصومی از تهاجم دریانوردان اروپایی (پرتغالی) به سند ارائه کرده حکایت از پیشینه دخالت‌های استعمارگران غربی در شبه‌قاره به ویژه نواحی مسلمان‌نشین آن از جمله سند می‌باشد.

با توجه به فقدان اطلاعات در تألیفات تاریخی مربوط به شبه‌قاره در باب سلسله‌های محلی سند از قرن چهارم تا دهم هجری به ویژه در باب حکومت «سومره» و «سمه» و سلطه پادشاهان منطقه‌ای موسوم به «جام» هر چند مطلب وسیع نیست لیکن نسبت به سایر آثار عمده‌ترین آگاهی‌ها را در این زمینه می‌توان از اثر معصومی اخذ نمود. با توجه به تأثیر سنت تاریخ‌نگاری اسلامی – ایرانی در تاریخ‌نگاری شبه‌قاره و نیز بنا بر نوشته نویسنده از مهم‌ترین انگیزه‌های نوشتن کتاب، آموزش و تعلیم و پند و موعظه بوده است.

روابط ایران و هند به ویژه از جهات فرهنگی و تأثیرپذیری در امور مذهبی، فکری و آداب و سنت‌ها از دیگر نکاتی است که از تاریخ معصومی می‌توان استنباط نمود.

تاریخ سند میرمعصوم از جمله تألیفاتی است که در عصر شکوه فرهنگ ایرانی – اسلامی و دوران بلوغ ادب فارسی شکل گرفته، هرچند از این نمونه آثار در آن دوران و مدت‌ها قبل و بعد از آن کم نیست لیکن با توجه به آن چه حاصل شد اثر وی در میان بسیاری از تألیفات و کتاب‌های آن دوره به ویژه در باب تاریخ محلی از نفاست و جذابیت

خاصی بهره‌منداست.

نقش رجال و مشاهیر هند در توسعه فرهنگ ایرانی، اسلامی به ویژه ترویج تاریخ و ادب از جمله در عصر بابریان در مناطق مختلف این سرزمین قابل توجه است که یکی از آنان محمد بن معصوم بکری (بکهری) در دوران شکوه تیموریان به خصوص عهد سلطنت اکبرشاه است.

محمد بن معصوم علاوه بر تاریخ، در ادبیات به ویژه شعر و دانش‌هایی مانند طب و در هنرها از جمله خوش‌نویسی جزو بهترین‌های روزگار خود بوده و در این زمینه نیز از او آثاری بر جای مانده است. همین‌طور در عصر خود از جمله خیرین و ایجاد کننده آثار و ابنیه عام‌المنفعه و واقفان به شمار رفته است. وی فراتر از شبه‌قاره و در مناطقی از ایران به ویژه اصفهان بانی آثاری بوده است.

معصومی از دولتمردان موثق و بلندآوازه دوران خویش بوده، علاوه بر مناصب لشکری و عملکرد موفق در این زمینه، به عنوان سفیر پادشاه مقتدر گورکانی (جلال‌الدین محمد اکبر) در دربار شاه‌عباس اول صفوی منصوب گردید.

کتاب نامه

- احمد، ظهوالدین (۱۳۸۵). *تاریخ ادب فارسی در پاکستان*. ج ۱، ترجمه شاهد چودری. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- احمد، عزیز (۱۳۶۶). *تاریخ تفکر اسلامی در هند*، ترجمه تقی لطفی و محمدجعفر یاحقی، تهران، انتشارات کیهان.
- اسماعیل پور، مهیبز (۱۳۸۰). «تاریخ نویسی فارسی در شبه قاره»، *دانشنامه زبان و ادب فارسی در شبه قاره*، ج ۴، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- اصغر، آفتاب (۱۳۶۴). *تاریخ نویسی فارسی در هند و پاکستان (تیموریان بزرگ)*. لاهور، خانه فرهنگ جمهوری اسلامی ایران.
- آل داوود، سیدعلی (۱۳۸۳). «ایالت سند در دوره تیموریان»، *آئینه میراث*، ش ۲۸، ۱۳۱-۱۳۲.
- بدایونی، عبدالقادر (۱۳۷۹). *منتخب التواریخ*، به تصحیح مولوی احمدعلی صاحب، با مقدمه و اضافات توفیق سبحانی، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- بکری، سیدمحمد معصوم (۱۳۸۲). *تاریخ سند معروف به تاریخ معصومی*. تصحیح عمر بن محمد داوود پوته، تهران: انتشارات اساطیر.
- بلاذری، احمد بن یحیی (۱۳۶۷). *فتوح البلدان*. ترجمه محمد توکل، تهران: نقره.
- بهکری، شیخ فرید (۱۹۶۱). *ذخیره الخواتین*. ج ۱، به اهتمام سیدمعین الحق، کراچی: اداره تحقیقات تاریخی.
- تتوی، سید میرمحمد بن سیدجلال (۱۹۶۵). *ترخان نامه (تاریخ سند در زمان ارغون و ترخان)*، به اهتمام سیدحسام الدین راشدی، حیدرآباد سند، انجمن ادبی سند.
- ترکمان، اسکندربیک منشی (۱۳۵۰). *تاریخ عالم آرای عباسی*، ج ۲، به اهتمام ایرج افشار، تهران: امیرکبیر.
- حموی، یاقوت بن عبدالله (بی تا). *معجم البلدان*، ج ۱، بیروت: دار صادر.
- ریاض الاسلام (۱۳۷۳). *تاریخ روابط ایران و هند (در دوره صفویه و افشاریه)*، ترجمه محمدباقر آرام، عباسقلی غفاری فرد، تهران: امیرکبیر.
- شیمل، ماری (۱۳۶۸). *ظهور و دوام اسلام در هند*، قم: کیهان اندیشه.
- صافی، قاسم (۱۳۸۵). *سفرنامه سند (کراچی تا شهر خاموشان)*. تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
- _____ (۱۳۸۷). *تاریخ زبان و ادب فارسی در سند و پیوستگی آن با ایران*، تهران، مؤسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران.

- کوفی، علی بن حامد (۱۳۸۴). *فتح نامه سند (معروف به چچ نامه)*، تصحیح داوود پوته، تهران: اساطیر.
- مرعشی نجفی، سیدشهاب الدین (۱۳۷۹). «الرحله الاصفهانیه»، بخش سوم، تحقیق علی رفیعی علامرودشتی، *فصلنامه میراث شهاب*، ش ۲۲، ص ۲۳-۳۲.
- مسعودی، ابوالحسن علی بن حسین (۱۳۷۸). *مروج الذهب و معادن الجواهر*، ج ۱، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران.
- منزوی، احمد (۱۳۵۰). *فهرست نسخه های خطی کتابخانه گنج بخش*، ج ۱، لاهور، مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان، اسلام آباد.
- منزوی، احمد (۱۳۶۷). *فهرست مشترک نسخه های خطی فارسی پاکستان*، ج ۱۰، مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان.
- مهدوی، سیدمصالح الدین (۱۳۴۸). *دانشمندان و بزرگان اصفهان (تذکره القبور)*، اصفهان، ثقفی.
- هنزرف، لطف الله (۱۳۵۰). *گنجینه آثار تاریخی اصفهان*، اصفهان، ثقفی.
- یاری، سیاوش (۱۳۸۸). *تاریخ اسلام در هند (از آغاز تا قرن پنجم هجری)*. تهران: نشر ادیان.
- یعقوبی، ابن واضح احمد بن ابی یعقوب (۱۳۶۲). *تاریخ یعقوبی*. ج ۲، ترجمه محمد ابراهیم آیتی. تهران: علمی و فرهنگی.
- Hashimi, Syed, (۱۹۲۷), *The Arab rule in sind, in Islamic culture.*